

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

عنوان:

شاهنامه فردوسی

نام استاد:

...

تهیه کننده:

...

...

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

تلخیص چند کتاب پیرامون شاهنامه

استاد: ..

دانشجو: ...

گروه زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی ارشد

مقدمه

سالهای سال است که از مرگ خداوندگار خرد و آگاهی می گذرد، سالهای سال است که حکیم بزرگ توس رخ در نقاب خاک کشیده است و جان نورانش را به عالم بالا پرواز داده است، اما همانگونه که خود می گوید «نمیرم از این پس که من زنده ام...» گویی که نمرده است و هنوز هر ایرانی آزاده ای با شنیدن سخن نغزش جانی تازه می گیرد و اندیشه بلند و نیکش را ستایش می کند.

گزیده حاضر نگاهی دارد به ده عنوان کتاب، که طی چند سال اخیر پیرامون فردوسی و شاهنامه انتشار یافته است، ذکر یک نکته اینجا ضروری می نماید و آن اینکه اگر مشتم را نمونه خروار بدانیم باید بر افول شاهنامه پژوهی معاصر گریست، چرا که اکثر منابعی که ما به صورت تلخیص ذکر کرده ایم یا مشاهده دیگر عناوینی که این تحقیق بهانه ای شد تا مطالعه شود و در اینجا نیامده است این سؤال را در ذهن ایجاد می کند که راستی ماچقدر در کنه مطالب شاهنامه غور کرده ایم و به چه میزان «برره رمز معنی برده ایم» و راستی آیا حق شاهنامه و فردوسی این است؟ گاهی تألیفاتی مشاهده می شود که انسان از این که حتی نام فردوسی بر پشت آنها حک شده است شرمسار می شود. به امید روزی که شاهنامه پژوهی بی هیچ غرضی در خدمت تجلی اندیشه والای فردوسی درآید.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در اینجا لازم می نماید از زحمتهای و بزرگواریهای استاد فرزانه جناب دکتر رادفر که بنده
را همیشه مورد لطف خویش قرار داده اند سپاسگزاری کنم، باشد که ایشان کاستی های
بنده و این نوشته را به دیده اغماض بنگرند.

با سپاس فراوان

خورشید قنبری نیز

شاعر و پهلوان در شاهنامه / الگار دیویدسن - مترجم: دکتر فرهاد

عطایی - تهران: نشر تاریخ ایران، زمستان ۱۳۷۸.

این اثر مقدمه مترجم، پیشگفتار و مقدمه مولف و نه فصل را شامل می‌گردد. در مقدمه مترجم، او پس از توضیحی کوتاه پیرامون فردوسی و شاهنامه به شیوه‌ی پژوهش پروفیسور دیویدسن اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که او معتقدست اتکا به منابع مکتوب به تنهایی نمی‌تواند ما را به شاهنامه‌ی فردوسی رهنمون گردد. به اعتقاد او، بر اساس شواهد خود شاهنامه و شواهد بیرونی، فردوسی بخش مهمی از شاهنامه‌اش را از منابع شفاهی گرفته و خود روایات را حین اجرای نقالی دیده و شنیده است.

در پیشگفتار، اینگونه بیان می‌کند که موضوع اساسی کتاب این است: که «چگونه می‌توان یک شکل از ادبیات کلاسیک را تداوم یک سنت شفاهی پیشین دانست؟» دیویدسن معتقدست که شاعر در این کتاب در حقیقت به مفهوم پادشاهی اعتبار می‌بخشد بدینصورت که شاعر پا پروردن و اعتبار بخشیدن به پهلوان از او پاسبانی برای تخت شاهی و شاهنشاه می‌سازد پس شاعر قوام بخش و اعتبار دهنده به مفهوم شاهنشاهی است در مقدمه شاعر (که خود فردوسی ست) و پهلوان (رستم، کسیکه در ذهن ما شخصیت‌های حماسی و اساطیری را تداعی می‌نماید) را محور اصلی کتاب حاضر بر می‌شمرد.

نویسنده معتقدست که منظور اصلی این کتاب نه زندگی نامه‌ی شخصی فردوسی است و نه «تاریخی» که می‌توان از خلال شاهنامه نگاشت. بلکه منظور شعری ست که زندگی

شاعر نمونه‌ی آن است و داستانی‌ست که شاعر روایت می‌نماید آن هم شعری که آمیزه‌ای است از تاریخ و اسطوره.

در مورد رستم با شخصیتی روبرو هستیم که مخلوق شاعرانه‌ای از نوع اساطیر به نظر می‌آید، نه یک واقعیت تاریخی.

همچنین نویسنده اذعان می‌دارد که در این تحقیق نظری مخالف نظر نولدکه و سایر متخصصان ایران شناسی - که روایات رستم را خارجی و یا داخل شده در سنت پادشاهان می‌دانند - مطرح می‌گردد.

در ادامه‌ی مقدمه با نگاهی اجمالی به نکات برجسته‌ی چهار سلسله‌ی امپراتوری ایران قبل از اسلام یعنی پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانی بیان می‌کند که دو سلسله‌ی اول، بخصوص اول، ریشه در اساطیر دارند و دودمان بعدی، تاریخی‌اند.

در فصل یک، پیرامون اعتبار فردوسی که خالق تنها حماسه ملی معتبر ایران است به بحث می‌پردازد و به سخن ژول مول در این باره اشاره می‌نماید که ماهیت شاعر و پهلوان را نشان می‌دهد. ژول مول می‌نویسد: فردوسی چنان تجلیلی از زندگی رستم کرده است که دیگر هیچ نویسنده ایرانی نمی‌تواند پس از او اینگونه در این باره قلم بزند.

«فصل دوم درباره‌ی «اعتبار شاهنامه فردوسی» است. و در اثبات اعتبار شاهنامه به بقای آن استدلال می‌نماید و معتقدست که برای مشخص شدن برتری فردوسی بر سایر سراینده‌گان حماسه ملی نیازی نیست ضوابط امروزی شعری خود را به کار گیریم بقای شاهنامه‌ی فردوسی نشانه‌ای روشن بر برتری فردوسی و شاهنامه‌اش بر سایر

شاهنامه‌هاست و بقای آن باعث شد، تا هیچ کس برای بازگویی روایت شاهنامه طبع آزمایی نکند.

«میراث شعر شفاهی» فردوسی فصل سوم را تشکیل می‌دهد. در این فصل مولف بیان می‌کند که شاهنامه‌ی فردوسی ادامه‌ی سنت شفاهی در کسوت مکتوب است اما مستقل، و نشانه‌ی بسیار مهم مستقل بودن نقالان از شاهنامه‌ی فردوسی را در مطالب زیادی می‌داند که در سنت روایات شفاهی هست در حالی که در هیچ یک از ادبیات حماسی شناخته شده وجود ندارد.

در فصل چهارم که عنوان آن «کتاب شاهان، حماسه‌ی پهلوانان» است و مولف در اینجا بر این باورست که این دو گانگی می‌تواند در قالب نوعی سنت داستانسرایبی وجود داشته باشد، سنتی که باورهای مردم درباره‌ی شاهان را با باورهای پهلوانان به هم می‌آمیزد. در این فصل به تمایز این دو مقوله و روشنفکری پیرامون هر یک پرداخته می‌شود.

و فصل پنجم با عنوان «شاه و پهلوان» تا حدی ادامه‌ی فصل گذشته است بر سازگاری مفهوم ایرانی «کتاب شاهان» با «حماسه‌ی پهلوانان» تأکید می‌کند و تلفیق حکایات پادشاهان داستان‌های پهلوانان، بخصوص رستم، در عهد ساسانیان و حتی قبل از آنان، در زمان اشکانیان، را به سنتی ملی تعبیر می‌نماید و در ارائه‌ی این استدلال، جزئیات بیشتری را از اساطیر یونان باستان درباره‌ی رابطه‌ی بین اریستئوس به عنوان پادشاه و هرکول به عنوان پهلوان اضافه می‌نماید.

«رستم، پاسدار حکومت» موضوع فصل ششم است در این فصل از رستم به عنوان پاسدار حکومت یاد می‌کند و در بررسی موضوع رستم او را جزئی جدایی ناپذیر از خود

مفهوم پادشاهی می‌داند که به تنهایی فتنه را دور می‌کند و در دفاع از تاج و تخت موظف به حمایت از پادشاهست حتی اگر شاه، او را برسر جمعیت و در حضور همگان سرد و بی‌آبرو کرده باشد. همانطور که خود نیز بر تاج بخشی‌اش اذعان می‌دارد:

به درشد به خشم‌اندر آمد به رخس منم گفت شیر اوژن و تاج بخش

فصل هفتم «موضوع پدری پیشرس و نارس در داستان رستم و سهراب» است در این فصل مولف بعد از گزارشی به اجمال از داستان رستم و سهراب، به داوری می‌نشیند. و معتقدست که رستم فقط کاری را که مجبور به انجام آن بود، کرد زیرا هر چه باشد او مدافع تاج و تخت ایرانی‌ست و باید پیوسته متناسب با عنوان خود، تاج بخش، عمل کند، اگر چه شایستگی لازم جهت شاهی را داراست.

هشتمین فصل («دیوسکوریس» بین پدر و پسر، سرمشقی برای اقتدار در شاهنامه) است. واژه‌ی دیوسکوریس از نام یونانی Dioskouroi به معنی «فرزندان آسمان» گرفته شده و به دو قلوهای ملکوتی گفته می‌شود که در اساطیر و آیین یونانی به کاستر و پلی دیوکس معروفند. او نوعی مکمل بودن را در رفتار دوقلوها می‌یابد؛ اگر یکی تمایل به ستیزه جویی و جنب و جوش دارد، دیگری منفعل و کم‌تحرک است و در این مبحث بر همین جنبه‌ی پدر و پسر بحث شده است.

«بزم و رزم» به عنوان فصل پایانی‌ست که مولف آنها را بهترین مناسبت برای شاعر و پهلوان بر می‌شمرد در شاهنامه معمولاً پهلوانان شخصیت‌هایی هستند، جنگجو که به دو کار علاقه‌ی خاص دارند: بزم و رزم.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

بزم قالبی است برای بازگو کردن داستان ماجراجویی های رزم آوران یعنی جنگیدنشان، و این قالب بهترین مناسبت است برای بیان اقتدار شاهانه از طریق قابلیت های پهلوانی و مهارت های شاعرانه.

در سخن پایانی، مولف تلاش فردوسی را تلاش شاعرانه ای بر می شمرد که یک بار دیگر و بطور کامل حماسه ی پهلوانان را با کتاب شاهان در هم در آمیخته و وحدت هنرمندانة حاصل از این در آمیختن مدیون کهن ترین سنت های اساطیری است که بازگو می کنند چگونه یک پهلوان، فر پادشاه ولی نعمت خود را نجات داده است.

بلور کلام فردوسی / رحیم رضازاده ملک - تهران: انتشارات کلبه و فکر

روز، سال ۱۳۷۸.

اثر حاضر بعد از یادداشتی کوتاه پیرامون فردوسی و سبب نظم شاهنامه و شرحی پیرامون دقیقی همراه با ابیاتی از شاهنامه آغاز شده و به هفت موضوع در شاهنامه می پردازد. دربخش اول با نظر به شاهنامه و پادشاهی جمشید و اقدامات و کارهای انجام گرفته در عصر او طبقات اجتماعی دوران ساسانیان را بر می شمرد که در عصر جمشید به چهار دسته ی کاتوزیان (زاهدان و عابدان)، نسودیان (کشاورزی و برزگران، نساریان (سپاهیان و لشکریان) و اهتوخوشی (پیشه وران) تقسیم شده اند. سپس به نظر محققین و پژوهشگران مختلف که به این موضوع پرداخته اند و در جهت یافت ریشه ی این واژگان کوشیده اند می پردازد و در این باره گفتار محققینی چون: میرزا عبدالحسین خان بردسیری، پوردوود، معین، بهار را در کنار هم قرار داده و سپس تک تک درباره ی هر یک گفتگو می نماید.

در بخش دوم به موضوع «تأسیس نورور جمشیدی» می پردازد و ابیاتی را که فردوسی در آغاز داستان های شاهنامه، در پادشاهی جمشید، شهریار پیشدادی، در جایی پس از برشمردن نهادها و کارهای او می سراید، می آورد. سپس این ابیات را که تعداد آنها ۱۰ بیت بیشتر نبود در چاپ های گوناگون شاهنامه های مختلف مسکو، ژول مول، بروخیم، رمضانی و امیرکبیر بررسی می کند و تفاوت های گوناگون واژگانی و کاستی و فزونی ابیات را مطرح می نماید و در پایان بخش، صورت صحیح و معقول ابیات را به توالی منطقی می آورد.

بخش سوم «چو اردیبهشت آفتاب از بره» است که مصرعی از بیتی است که ارجاسب در نامه‌ای خطاب به گشتاسب می‌نویسد:

همی تافتی بر جهان یکسره چو اردیبهشت آفتاب از بره

مؤلف نظر پژوهشگران مختلف را در مورد اشکالی می‌آورد که به اذعان آنان در پایان بیت وجود دارد به این منظور که این بیت، یک اشکال در تاریخ تألیف منظومه ایجاد می‌کند. این بیت جزو گشتاسبنامه‌ی دقیقی به حساب می‌آید و چنین می‌نمایاند که در زمان دقیقی و تاریخ نظم شاهنامه‌ی او، ماه اردیبهشت در موقع بودن آفتاب در برج حمل می‌افتاد، در صورتی که در تاریخی که تألیف شاهنامه در آن حدس زده می‌شود اردیبهشت ماه از ۷ ثور تا ۶ جوزا واقع می‌شد.

مؤلف نظر پژوهشگرانی همچون سید حسن تقی زاده، ذبیح الله بهروز، علی حصوری و منصور رستگار را می‌آورد که یکی از نظریات حسن زاده را نقل نمودیم.

موضوع بخش بعدی «سیمرغ و سیندخت» است. در این بخش مؤلف ابتدا ماجرای دو سیمرغ در شاهنامه را مطرح می‌نماید. اولی سیمرغی ست که اسفندیار با نیرنگ در خوان پنجم او را از پای در می‌آورد و دومی پرونده‌ی زال و به دنیا آورنده‌ی رستم، آموزنده‌ی راه مرگ و موضع خطر پذیر اسفندیار به رستم است یعنی بخرد است و چاره‌گر و پزشک و با آدمیان سخن می‌گوید و این سیمرغ دوم بسیار عجیب و صاحب اعمالی خارق العاده و موضوع اصلی بحث مؤلف در این بخش است.

«زن بارگی بهرام گور» موضوع بخش پنجم کتاب حاضر است و ماجرای از بهرام گور و برخورد او با چوپانی در بیشه در هنگام تخجیر که در شاهنامه آمده، می‌آورد. از چوپان

در مورد صاحب گوسفندان می پرسد و متوجه می شود که از آن صاحبی با مال و تکمین اند که دختری زیبا نیز در خیل خویش دارد. یکی از موکبیان بهرام نظر به شناختی که از بهرام داشته به همراهان در مورد حرکت به سوی صاحب گوسفندان و خواستگاری دخترش برای شاه سخن می گوید و این سخن توسط مولف در ۸ بیت از شاهنامه فردوسی نقل شده و سپس مولف به داوری و بحث پیرامون واژگان و ترتیب ابیات نشسته و در پایان بیتی را نیز از شمار ابیات، که اضافه به نظر می آمده، کاسته است. بخشش ششم به «شمار ابیات شاهنامه» تعلق دارد که در آن تعداد ابیات شاهنامه را پس

از تحلیل ابیات گوناگون در این زمینه ۶۰/۰۰۰ بیت برشمرده است

در بخش پایانی کتاب به بحث و بررسی پیرامون شکل های گوناگون و معانی مختلف واژهی «کهد» در کتب مختلف از جمله لغت فرس اسدی، صحاح الفرس، فرهنگ قواس، تحفه الاحباب، فرهنگ جعفری پرداخته است.

قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی / مجید رستنده - همدان: انتشارات

مفتون همدانی، ۱۳۷۸.

این اثر با بحثی پیرامون ورود اسلام به ایران و تأثیر آن و سنت پیغمبر و ائمه در جنبه‌های مختلف از جمله ادبیات در پیشگفتار آغاز می‌گردد. نویسنده در مقدمه شاهنامه را کتابی می‌خواند که تأثیر تعلیمات ادیان الهی در آن گستره‌ای وسیع دارد و آنچه در این زمینه بیش از حد انتظار جلوه‌گری می‌کند، پیوند بسیار عمیق شاهنامه با مبانی اسلام و بهره‌وری از «قرآن و حدیث» است و اعتقادات مذهبی فردوسی و آشنایی او با قرآن و منابع حدیث و علاقه‌اش به پیامبر اسلام و خاندان پاک آن حضرت را دلیل عمده‌ی این کار می‌شمرد.

برای دریافت وجوه تأثیر «قرآن و حدیث» بر شاهنامه ابتدا به موارد کلی تأثیر پذیری «ذهن و زبان فردوسی» از این دو مقوله اشاره می‌کند و پس از ذکر این کلمات، مصادیق جزئی نیز ارائه می‌گردد. و بدین منظور کتاب را به شش بهره «بخش» تقسیم می‌نماید. در بهره‌ی نخست با آوردن بیت:

ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببايدت بست

به مساله‌ی توحید می‌پردازد و پس از آوردن درآمدی کوتاه در این مورد، به شواهد و ابیاتی از شاهنامه که در این باره‌اند می‌پردازد و ذیل هر یک، آیه با حدیث مربوط را ذکر می‌نماید.

درآمد بخش دوم از ایمان راسخ فردوسی به اصل نبوت به طور عام و نبوت رسول اکرم بطور خاصی: با استناد به آیات قرآن کریم برگرامیداشت مقام شامخ «گزیده آفرینش»

تأکید خاصی: دارد. و در این باره به همانندی بخشی از داستان جمشید با زندگی

حضرت سلیمان و فتنه گری یاجوج و ماجوج و نبرد ذوالفرنین به آنها اشاره دارد.

در ادامه به بیان اشعار دلالت کننده بر نبوت و متأثر از قرآن و حدیث اشاره می‌نماید.

در بهره‌ی سوم بحث امامت را با آوردن بیت:

منم بنده‌ی اهل بیت بنی ستاینده‌ خاک پای وصی

آغاز می‌کند. مهرورزی به خاندان پیامبر اکرم (ص) بویژه حضرت علی (ع) را از

خصایص والا و بارز ایرانیان مسلمان می‌شمرد و فردوسی را در زمهری شیفتگان اهل

بیت (ع) می‌خواند و سپس با تفکیک مسائل گوناگون اشاره‌گر بدین مضمون، به آوردن

شواهد مربوط به آیات منظوره در این زمینه می‌پردازد.

بهره‌ی چهارم با:

یله کن ز چنگ این سپنجی سرای که پرمایه‌تر زین تو را هست جای

معاد و سرای دیگر را مطرح می‌نماید و در درآمد مطرح می‌دارد که سخن سرای توس

پس از مرگ تک تک افراد برکرسی درس اخلاق می‌نشیند و جوانب گوناگون این

«بزرگترین راز» را بررسی می‌نماید و به گوش جان مخاطب خویش می‌خواند که

سرانجام همه مرگ است. پس ابیات مرتبط با این مضمون را به همراه آیات و احادیث

مورد نظر می‌آورد.

در بهره‌وری پنجم که با بیت:

سخن بشنو و بهترین یادگیر نگر تا کدام آیدت دلپذیر

نکات اخلاقی تربیتی و اجتماعی در شاهنامه را که مرتبط با شواهد قرآنی و حدیث است
بر می شمرد و در این زمینه به نکات برجسته‌ای چون: شروع کار با نام خدا، سرنوشت،
توکل، امید، صله‌ی رحم، نیکی، بخشش و ... اشاره می‌نماید.
بهره ششم که با:

زمانی می‌سازد ز آموختن اگر جان همی خواهی افروختن
آغاز می‌شود به بحث دانش و خرد می‌پردازد. «درآمد این بخش، یکی از دلایل مهم
گرایش عمیق فردوسی به دانش و خرد را علاوه بر منابع ایرانی، آثار و منابع اسلامی بر
می‌شمرد و بیان می‌دارد که جلوه‌های دانش‌گرایی و خردورزی فردوسی بر پایه‌ی
اندیشه‌ی اسلامی او درخششی دل‌انگیز دارد. در ادامه نمونه‌هایی که به وضوح این نکته
را روشن می‌سازد، ارائه می‌نماید.
در پایان به ارائه‌ی فهرست آیات و احادیث و ابیات آمده در متن همچنین فهرست منابع
می‌پردازد.

حماسه‌ی ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها / دوست خواه جلیل -

تهران: نشر آگه، ۱۳۸۰.

این کتاب که شامل ۲۸ گفتار و گفت و شنود پیرامون شاهنامه است دارای ۴ بخش است. در بخش یکم که با عنوان پژوهشها و گفتارها ذکر شده است سیزده گفتار پیرامون شاهنامه آمده است که از جمله می‌توان به آز و نیاز دو دیو گردن فراز، پشتوانه‌های شاهنامه: خواستگاه‌های دو گانه و دیدگاه‌های دو گونه، رهنمودی دیگر به افزودگی که چهار بین در دیباچه شاهنامه، زمان و زندگی فردوسی و پیوندهای او با هم روزگاران، مادر سیاوش: جستار در زمینه‌یابی یک اسطوره، نقد یا نفی شاهنامه؟: تحلیلی انتقادی از یک برداشت و ... نام برد. ما در اینجا به دلیل اینکه کتاب به صورت گفتارهای تفکیک شده تدوین شده است و به نوعی مجموعه مقالات است نمی‌توانیم همه بخشها را خلاصه یا به آن اشاره کنیم تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

نویسنده در گفتار آز و نیاز دو دیو گردن فراز با قلمی محکم و استوار و تا حدودی فارسی سره این دو دیو را که در سراسر شاهنامه فردوسی خودنمایی می‌کند کاوش می‌کند و می‌گوید: «شاید از آن جا که آز در سامان اندیشگی و شالوده‌ی اخلاق ایرانی در برابر خرد جای می‌گیرد و کاخ شاهنامه بر شالوده خرد بنیاد گذاشته شده است کارکرد تباه کننده و ویرانگر آز در ساختار حماسه‌ی ایران تا این اندازه نقش کلیدی یافته باشد.»

نویسنده در ادامه به بررسی و تحلیل این بیت شاهنامه که در آغاز داستان رستم و سهراب آمده است می‌پردازد «همه تا در آز رفته فرار/ به کسی برنشته این در آز باز ...»

از دیگر گفتارهای زیبای این فصل می‌توان به «رهنمودی دیگر به افزودگی چهار بیت و رویاچه‌ی شاهنامه» اشاره کرد. در این بخش نویسنده چهار بیت دیباچه شاهنامه را ذکر می‌کند که:

... که خورشید بعد از رسولان مه
نتابید بر کس ز بوبکر به
عمر کرد اسلام را آشکار
بیار است گیتی چو باغ بهار
پس از هر دوان بود عثمان گزین
خداوند شرم و خداوند دین
چهارم علی بود جفت بتول
که او را به خوبی ستاید رسول
و بعد به نقل از دکتر جلال خالقی مطلق یادآور می‌شود که نظامی در آغاز شرفنامه خود به کنایه به مذهب فردوسی می‌گوید که:

گهر خر چهارند و گوهر چهار
فروشنده را با فضولی چه کار
به مهر علی گر چه محکم پیم
ز عشق عمر نیز خالی نیم
و نتیجه می‌گیرد که: «با دقت در این امر که تاریخ رونویسی کهن‌ترین دستنوشته شناخته‌ی شاهنامه که بیت‌ها چهارگانه را در دیباچه‌ی خود دارد، یعنی دستنوشته نگاه داشته در موزه‌ی فلورانس، سال ۶۱۴ هـ. ق (سال احتمالی در گذشت نظامی است) می‌توان به این برآیند رسید که بیت‌های یاد کرده در دستنوشته‌های پیش از آن تاریخ (که دستنوشته یا دستنوشته‌های در دسترس نظامی نیز ناگزیر در شمار آنها بوده) نگاشته نشده بوده است و تاریخ احتمالی افزودن آنها بر دیباچه شاهنامه، کم و بیش همزمان با واپسین سال‌های زندگی نظامی (یعنی دوسده پیش از خاموشی فردوسی) است و ...

یکی دیگر از گفتارهای این فصل جوابی قاطع و تا حدودی کوبنده به سخنرانی احمد شاملو است که در دانشگاه برکلی کالیفرنیا در تاریخ ۱۳۶۹ ایراد شده است.

بخش دوم کتاب شامل بررسی‌ها و نقدهاست، این بخش نیز شامل سیزده گفتار است. که از مهمترین گفتارهای این بخش نیز می‌توان گفتار شاهنامه پژوهی: پایان هزاره‌ی آشوب» را نام برد که نقدی است بر کتاب سرچشمه‌های فردوسی شناسی دکتر محمد امین ریاحی.

در بخش سوم کتاب که عنوان گفت و شنودها را داراست، دو گفتگوی فرنگیس حبیبی و سعید قائم مقامی فراهانی با پژوهنده است.

بخش پایانی کتاب با عنوان « پیوست‌ها» نیز شامل چندی نامه و نقد و جوابیه نقد از جلال خالقی مطلق، دکتر باقر پرهام، دکتر حمیدیان و دکتر مصطفی رحیمی است.

فرهنگ آرایه‌های ادبی (بیان) در شاه نامه فردوسی: شامل ترکیب‌ها و عبارتهای کنایی، استعاری، مجازی، اغراق و ... / پورانداخت برومند - تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۰.

این کتاب با پیشگفتار که ۲۰ ص را در بر می‌گیرد آغاز می‌شود. در این بخش به نقش‌آفرینی فردوسی در فرهنگ زبان و ادب فارسی می‌پردازد و فردوسی را هنرمندی پرمایه می‌خواند که واژه‌ها را چون موم در دست دارد، با قریحه‌ی شاعرانه واژه‌ها را نیک می‌آراید و با یکدیگر می‌آمیزد چنانکه گویی جان دارند و انسان را به همدلی و دریافت معنای خویش فرا می‌خوانند سپس بحثی کوتاه پیرامون آرایه‌های ادبی در شاهنامه فردوسی یعنی استعاره، کنایه، استعاره‌های تمثیلی، مجاز، اسناد و اغراق می‌آورد و در هر یک ابتدا سعی در تعریف و شناساندن موضوع نموده سپس جایگاه آن را در شاهنامه‌ی فردوسی بیان می‌نماید.

ساز و نهاد پژوهش پژوهشگر چنانچه که خود در ادامه‌ی پیشگفتار آورده استخراج و فیش‌برداری از عبارات و ترکیبات اسمی و فعلی و آرایه‌های ادبی با استفاده از نسخه‌ی چاپ مسکو آغاز گشته و برای هر ترکیب شاهد مثال شعری با ذکر مجلد و صفحه م/ص و داستان مربوط به آن به ضرورت درک معنای نهفته آورده شده است. که البته در این راستا جهت دستیابی به مفهوم عبارات به فرهنگ‌های موجود از جمله دهخدا، معین، جهانگیری، غیاث اللغات چراغ هدایت، مصطلحات الشعراء آندراج، بهار عجم، برهان قاطع و ... نیز راه جسته است.

ترتیب الفبایی عناوین ترکیبات با تکیه بر حروف آغازین ترکیبات اسمی و فعلی منظم گشته است.

پس از پیشگفتار، فرهنگ آرایه‌ها که قسمت اعظم و اصلی کتاب است آغاز می‌شود. در این قسمت به زعم مولف به استعاره کنایه، مجاز، ... و به عبارتی صرفنظر از عنصر تشبیه به بیان پرداخته شده است. اما مولف نه تنها در این زمینه که اصل کار او را شامل می‌گردد هیچگونه مرزبندی و تفکیک خاصی قائل نشده و از شروع این بحث بر اساس ترتیب الفبایی تا پایان بحث به معنا نمودن ترکیبات دشوار که عمدتاً کنایه می‌باشند، پرداخته است البته ناگفته نماند که چون حقیر شاهنامه را بطور کامل نخوانده‌ام نمی‌توانستم در مورد کلیت کار مولف در این بخش داوری نمایم اما در مورد بخش‌هایی چون داستان سیاوش، رستم و سهراب و رستم و اسفندیار در زمینه‌ی گفته شده نسبتاً موفق ظاهر شده است بخش پایانی کتاب نیز کتابنامه است که بیش از عنوان کتاب را معرفی نموده است.

فردوسی «رمان تاریخی» / ساتم الغ زاده - تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

آنچه در این کتاب آمده بخشی از رخدادهای زندگی فردوسی، استاد فرزانه‌ی توس است و بخش عمده‌ی آن پرواز خیال نویسنده در فضای اجتماعی فرهنگی هزار سال پیش ایران زمین. پنجره‌ای است که در قاب آن می‌توان در دیار فرهنگ و تمدن ایرانی سیر کرد و سیمای بیش از هزار سال تاریخ و سرگذشت را در آینه‌ی آن دید. الغ زاده، نویسنده‌ی تاجیکی که عضو پیوسته‌ی فرهنگستان علوم تاجیکستان بود پژوهش‌هایی پیرامون زندگی و حیات اجتماعی بزرگان فرهنگ ایرانی چون ناصر خسرو، ابن سینا، رودکی و فردوسی انجام داده است. اثر حاضر در برخی موارد رنگ نمایشنامه و فیلمنامه به خود می‌گیرد (از جمله بحث اول آن: خانواده ده نشین). و این می‌تواند به دلیل شم نمایشنامه و فیلمنامه نویسی مؤلف باشد.

در این اثر مؤلف عمدتاً در فرضیات خود سیر نموده و شاید بتوان گفت که تنها زیرساختی بسیار کم‌رنگ از زندگی حقیقی فردوسی را در بر گرفته است. نویسنده، در این اثر سبکی خاص از خود بروز داده و این مورد بویژه در سطح صوری و ادبی او آشکارست. او کلمات را به گونه‌ای خاص به کار می‌برد که به عنوان مثال:

فردوسی او را خیزانده، پهلوی خود نشاند خیزانده (از جای بلند کرده بود)

در مدرسه‌ی نشابور دویشان مدتی هم درس بودند دویشان (هر دوی آنها)

او را بیست ساله هم سی ساله گمان کردن ممکن بود گمان کردن ممکن بود

از سربرهنه و چهره‌ی افروخته‌ی او عرق خون آلود می‌شارید می‌شارید (می‌ریخت)

اگر بر وقت‌تر می‌گفتی: به عبادتشان می‌رفتم بر وقت‌تر (زودتر)

دانستندی شدند که آن چه کاروانی است دانستندی شدند (دانستند)

از پشت این شغل سر و سامانی پیدا نکرد از پشت (از پرداختن)

نثر نویسنده در برخی موارد ناشیواست و گاه در پایان چند جمله، در انتهای پاراگراف فاعل را که گوینده‌ی پاراگراف نقل شده است معرفی می‌نماید و در جملات کوتاه‌تر این

کار بسیار مرسوم و متداول نثر اوست: مانند

- فاطمه جان من به شاداب می‌روم - گفت فردوسی.

و یا بعد از اتمام شکوه‌های چند جمله‌ای نیسانی، دوست قدیمی فردوسی در ملاقات فردوسی در پایان پاراگراف می‌آورد: شکوه کردنیسانی.

البته کاربرد شیوه‌ی مذکور نیز متأثر از نمایشنامه نویسی و فیلمنامه نویسی اوست.

اینک چند مورد دیگر از کاربردهای خاص مؤلف را می‌آوریم:

- یک سرباز موی دراز نهایت سیرریش با و جاهتی وحشت انگیز به شاعر روگرانده او را دشنام دادنی و راندنی شد. فردوسی همچون بیمار بیم‌دار از زین فرآمده، در کنار راه نشست.

- روز دیگر عبدالله که با سیاوش فردوسی برای خرید کاغذ و سیاهی به شهر برآمده بود، دیر برگشت.

همان طور که تا حدی در همین مثال‌ها نیز دیده می‌شود نثر مؤلف در برخی مواد ناشیواست. در کاربرد کلمات اگر چه از واژه‌های کهن فارسی استفاده می‌کند (و این مورد با توجه به خود شاهنامه که کمتر از ۱۰۰۰ کلمه‌ی عربی دارد، امری عجیب و شاق

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

نیست) اما در مواردی وسیع تر از واژگان عربی به کار می گیرد تا آنجا که برای همسر

فردوسی نام فاطمه را انتخاب می کند.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی / الگادیوسن ترجمه فرهاد

عطایی - تهران: نشر فرزانه، ۱۳۸۰.

نوشتن کتاب «شاعر پهلوان» مباحثات بسیاری را بین پژوهشگران برانگیخت و نظریه‌ی او مبنی بر استفاده‌ی گسترده‌ی فردوسی از منابع شفاهی «نقالی» در سرودن شاهنامه، وجود یک نظام فرمولی در سرایش این اثر و نیز موضوع تأثیر متقابل اسطوره و شعر بیشترین مباحثات و نقدها را موجب گشت و نویسنده‌ی کتاب را بر آن داشت تا در مقالات متعدد به دفاع از نظریات خود و تشریح و توضیح آنها بپردازد. کتاب حاضر شامل هفت مقاله از این دست است که شماری از آنها در پاسخ منتقدان نوشته شده و در فصلنامه‌های تخصصی آمریکا به چاپ رسیده است.

یک هدف اصلی این مقالات را به هم پیوند می‌دهد و آن تلفیق شواهد تطبیقی و درونی در مطالعه‌ی شعر کلاسیک فارسی با توجه خاص به شاهنامه‌ی فردوسی است. اثر حاضر در حقیقت ادامه و دنباله‌ی مباحث کتاب «شاعر و پهلوان در شاهنامه» است که در کتاب قبل اساس کار مؤلف بر روش تطبیقی بود و در کتاب حاضر با استفاده از روش شناسی تطبیقی و نیز شواهدی از اشعار فارسی. بخصوص شاهنامه، بحث را ادامه می‌دهد.

مقاله‌ی یکم با بیان مقدماتی درباره‌ی روش شناسی تطبیقی به تشریح صورت بندی این هدف اصلی می‌پردازد و مروری کلی بر مباحث اخیر پیرامون کاربردهای رهیافت تطبیقی در مطالعه‌ی شاهنامه به دست می‌دهد.

مقاله دوم تأثیر صورت بندی کلاسیک آلبرت لرد را در شعر شفاهی در سراینده‌ی داستان‌ها بر مطالعات جاری درباره‌ی شاهنامه بررسی می‌کند، مقاله‌ی مذکور این پیش‌فرض را مورد نقد قرار می‌دهد که در هم آمیختن این دو استعاره متمایز توسط فردوسی کاری است که در واقع با سنت شعر شفاهی / نقلی همخوانی دارد و به شعر مکتوب محدود نیست.

مقاله‌ی چهارم بر خورده‌های متفاوت با شواهد موجود در نسخه‌های منشور قدیمتر را بررسی می‌کند که با روایت‌های بعدی در قالب شعر همخوانی دارد. این مقاله جای آنکه فرض را بر این بگذارد که نسخه‌های منشور، صرفاً منابع شعر فردوسی است، استدلال می‌کند که این روایات شعری از سنت‌های هنری مستقلی نشأت می‌گیرد که وجود آنها را نمی‌توان بر اساس روایات منشور این داستان‌ها توجیه کرد.

فصل پنجم بازنگری تطبیقی لقب تاجبخش رستم است با توجه به مفاهیم پادشاهی در سنت هند و ایرانی بنابر تحلیل ژرژ دو مزیل. در این مقاله، استدلال شده است که این لقب بازتاب مضمونی داستانی است که از پشتیبان باقی مانده است و با نقش حساس رستم به عنوان پهلوانی که شاهان را به قدرت می‌رساند تناسب دارد.

مقالات ششم و هفتم به دو «نوع ادبی فرعی» در درون نوع حماسی شاهنامه می‌پردازد. «نوع فرعی» مورد بحث در مقاله ششم رجزخوانی به صورت مدیحه‌ی شعری در صیغه اول شخص در داستان نبرد رستم و اسفندیار است. در مقاله هفتم، نوع فرعی سوگواری زنان مطرح می‌شود که در داستان حماسی سوگواری تهمینه در مرگ سهراب جای گرفته است. مؤلف هدف اصلی خود را مطالعه‌ی کلاسیک فارسی به خاطر شعر فارسی بیان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

می‌کند و برخلاف کسانی که می‌کوشند شعر فارسی را با رد کردن و حتی بی‌اعتبار کردن
برخی رهیافت‌های جدید مهار کنند، مؤلف بر این باور است که روش‌های تطبیقی در
واقع موجب ارتقای پژوهش در زمینه‌ی شعر فارسی می‌شود.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

بوسه بر خاک پی حیدر / علی ابوالحسنی (منذر) - تهران: نشر عبرت، ۱۳۷۸.

کتاب شامل چهارده بخش و ۷۳۴ صفحه است که هر بخش خود، گاهی شامل چندین فصل می شود بخشهای کتاب عبارتند از: ۱- حماسه سرایی که خود حماسه ساز شد.
۲- اسلام ستای، نه اسلام ستیز. ۳- گل از چهره مهتاب فرو شویم. ۴- فردوسی پیرو استوار رسول (ص). ۵- جمال لفظ و کمال مضمون. ۶- مردی، درست به قواره تمدن اسلامی. ۷- تابش آفتاب قرآن و عترت بر آفاق شاهنامه. ۸- جامی از چشمه خورشید.
۹- دیباچه شاهنامه؛ برگی زرین از کلام و حکمت شیعی. ۱۰- شهرت فردوسی به تشیع در طول تاریخ. ۱۱- هجونا مه نوای مظلومیت اهل بیت از نای فردوسی. ۱۲- تشیع و شاهنامه «سرنوشت یکسان» در تاریخ ایران. ۱۳- ابیات مدح خلفا در شاهنامه؛ اصیل یا الحاقی. ۱۴- ضمائ.

مؤلف محترم متأسفانه اصل بی طرفی در پژوهش را رعایت نکرده و در جای جای کتابش یک طرفه به قاضی رفته است و حتی گاهی شواهدی را که ارایه کرده است برای اینکه به هدفش نزدیک کند و شیرازه داستانهایش را قوام بخشد. تحریف کرده است، مؤلف محترم در این کتاب که قبل از آنکه پژوهش پیرامون فرد ملی باشد، بیانیه ای است علیه اکثر شاهنامه پژوهان و بزرگان شاهنامه پژوهشی همچون، استاد پورداوود، فرهوشی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، دکتر صفا، زرین کوب و ... را به باد انتقاد می گیرد و صادق هدایت را به خاطر نگارش کتاب پروین دختر ساسان نیهیلیست معنوی تباری می خواند که جان بر سر نیست انگاری کافکایی گذاشت. نویسنده سعی دارد شاهنامه پژوهان قبل

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

از انقلاب ۵۷ ایران را نان به نرخ روز خوران عصر پهلوی بر شمارد و غافل از اینکه با قلم گزنده‌ای که وی در این کتاب نمودار ساخته چه بسا خود نیز در معرض ایت اتهام و لیکن از لونی دیگر قرار گیرد. همان گونه که از سرفصلهای این کتاب بر می‌آید نویسنده سعیش بر این بوده است که اثبات کند فردوسی یک مسلمان شیعه مذهب است و شاهنامه سراسرش بر گرفته از این اندیشه عمیق شیعی است.

مایه های دینی و عرفانی در شاهنامه فردوسی / مرتضی گودرزی - تهران:

انتشارات راه سبحان، ۱۳۸۰.

آنچه در این نوشتار بدان پرداخته شد، نگرشی دینی به شاهنامه است، شاهنامه صحنه‌ی نبرد میان نیکی و پلیدی است و معیار تشخیص طریق صحیح، دین می باشد. در فرازهای گوناگون شاهنامه پویایی دین احساس می گردد، در شاهنامه نجات و فیروزی در گرو دینداری است.

علاوه بر نگرش های ناب دینی و رویکردهای خردمندانه در شاهنامه می توانیم به گنجینه‌ی پر رمز و راز عرفان نیز دست یابیم. اگر چه وضوح ادبیات عرفانی که ویژه‌ی کتب منحصراً عرفانی است، در این اثر به راحتی قابل دسترسی نمی باشد اما همانند بسیاری از جنبه های دیگر شاهنامه در زمینه‌ی عرفان نیز بعد عملی آن مشاهده می شود. کتاب حاضر در ۱۰ بخش به موضوعات یاد شده پرداخته است.

در اینجا نگاهی به بخش هشتم کتاب با عنوان «مایه های عرفانی در شاهنامه» خواهیم داشت که مهمترین بخش این اثر به نظر می آید و خود دو فصل، عرفان شاهنامه و نمونه‌های عرفانی در شاهنامه را در بر می گیرد.

در فصل اول بیان می دارد که همه‌ی داستان های اساطیری شاهنامه حال و هوای عرفانی دارند و آدمی را به تصفیه و تزکیه نفس، رستن از آس و افزون طلبی و گرویدن به نیکی و خیر دعوت می کنند. فردوسی را تا حدودی صوفی مشرب می خواند و با تکیه بر نظریات هنری کربن، شاهنامه را حماسه ای صوفیانه به شمار می آورد.

در ادامه‌ی این فصل تمایل ایرج به صلح و سرور را در مقابل خشم و زیاده خواهی برادران مثال می زند و برای حل این موضوع که خود معمایی عجیب برای فریدون است، سخنانی چون «زمه روشنایی نیاید شگفت» و یا «کش از آفرینش چنین است بهر» را می آورد سپس در تأیید دیدگاه های عرفانی شاهنامه ، به رویکردهای شاهنامه نسبت به جهان اشاره می نماید، رویکردهایی همچون نکوهش دنیا و وظیفه‌ی آدمی در جهان گذران، پلاس پوشیدن و عبارت خدا ، ... و در هر مورد با آوردن شواهدی از شاهنامه به سخن می پردازد.

در فصل دوم این بخش «بررسی نمونه های عرفانی، ابتدا شخصیت سیاوش را بررسی می نماید و در این باره به سخنانی از شاهنامه پژوهان می آورد. از زبان ویکینسون می آورد: «سیاوش جوان بی تزویری است که سرنوشتی غمبار دارد و مورد بدرفتاری قرار می گیرد. وی بی حامی است و سرانجام شهید می گردد.»

مؤلف معتقد است که سیاوش از سه آزمون سربلند بیرون می آید و هر یک از موانع و آزمون ها به گونه ای او را می آزمایند. سودابه با پتیارگی اش طهارت او را می آزماید و کاووس با خیره سری ذاتیش خردمندی او را و افراسیاب با آزش بزرگواری او را می آزماید.

در پایان بحث سیاوش با استناد به داستان داستان ها می آورد: سیاوش نماینده و ولی ای است که دوستدارانش را از کشیدن رنج معاف کرده و مرگ او که مرگ کامل: مرگ مرگهاست، به خودی خود او را در هاله ای از تقدس می پیچد.

در ادامه‌ی بررسی شخصیت های عرفانی به پایان کار کیخسرو می پردازد که پیوسته در پرستشگاه می ماند و به بارگاه نمی آید تا آنجا که گودرز نگران شده و او را راه گم کرده می خواند و گیو را در پی رستم و زال می فرستد که هر چه زودتر بیایند و چاره ای بجویند و کیخسرو با دیدن آنان (رستم، زال، گودرز،...) پاسخ می دهد: آرزوی دارم که هر گاه آن را بیابم، آنچه را در سر دارم باز خواهم گفت، و با بیرون آمدن دیگران از جایگاه او، بار دیگر گریان و نالان با کردگار راز می گوید. بدین طریق قریب ۶ هفته (چهل روز) می گذرد و در سحر گاهی مهران را فرا می خواند و می گوید:

«سحرگه مرا چشم بغنود دوش ز یزدان بیامد خجسته سروش

که برساز کآمد گه رفتنت سرآمد نژندی و ناخفتنت»

و پس از تحیر همگان که خود دال بر پیچیدگی عالم عرفان است، همانند عارفی خالص از دل بستگی ها قطع علاقه میکند و با:

«شدم سیر زین لشکر و تاج و تخت سبک بار گشتیم و بستیم رخت»

موانع کمال را که در پوشش قدرت و شهریاری قرار گرفته از سر راه بر می دارد.

شخصیت عرفانی بررسی شده بعدی پشوتن است او که در داستان رستم و اسفندیار، صدای عقل است و برخلاف افراط گرایی برادر، بسیار معتدل و معتقد است که در این راه زوال پذیر (دنیا) نباید کوشید و در مرگ اسفندیار با دیدگاهی عارفانه به هستی می نگرند.

بوزرجمهر از دیگر شخصیت های عرفانی در شاهنامه است که بویژه پندهای حکیمانه او و پایان زندگی اش این موضوع را آشکارتر می نماید. هر چه حلقه‌ی زندگی بیرونی او

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

توسط کسری تنگ تر و سخت تر می گردد، آرامش درونی او اوج بیشتری می گیرد و در این باره پاسخ های عارفانه‌ی او به تهدیدهای کسری، استحاله بینایی ظاهری او به بینایی درونی بعد از کوری چشمانش گواه و شاهد است. و سنگین تر شدن مراحل اسارت او وادی های عرفانی را تداعی می نماید.

در پایان این مبحث هفت خوان رستم را از منظر عرفانی مورد بررسی قرار می دهد و هر یک را یکی از وادی های عرفان بر می شمرد.

بیژن نامه / ایرج وامقی - تهران: انتشارات سوده، ۱۳۸۰.

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی در مورد شاهنامه‌ی فردوسی است که ۱۴ مقاله را در بر می‌گیرد و در هر مقاله، مؤلف در مورد موضوع یاد شده به بحث و بررسی می‌پردازد. مؤلف اثر اندکی قبل از اتمام حروفچینی کتاب در گذشته و پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی در بخشی به نام یادداشت ناشر به این موضوع و چگونگی و زمان چاپ کتاب اشاره نموده است.

در ادامه قبل از شروع مقالات کتاب در چند صفحه با بخشی تحت عنوان «همراه با ایرج وامقی به اوج قله های عشق و آگاهی از تاریخ و فرهنگ ایران زمین» به گزارشی از فرود و تحول زندگی مؤلف پرداخته شده است.

مقالات گردآمده در این تألیف به موضوعات گوناگونی پرداخته است که عناوین کلی آنها در زیر آمده است: بیژن نامه، درفش‌های پهلوانان در شاهنامه و مفهوم آنها، چند رسم کهن در شاهنامه فردوسی، نسخه بدل و ابیات الحاقی در شاهنامه، واژه‌ی دستکش در شعر حافظ و شاهنامه، چند نکته‌ی لغوی از شاهنامه، نقدی بر کتاب فرهنگ اساطیری - حماسی ایران، نقدی بر کتاب نخستین انسان و نخستین شهریار، نقد کتاب واژه نامک، تو را با نبرد دلیران چه کار؟، ایران شاهنامه را دریابیم، نقدی بر مقاله‌ی معرفی قطعات الحاقی شاهنامه، روش نوینی در نقد، روش تازه‌ای در دفاع و تحریف.

در مقاله‌ی اول به بررسی ابعاد شخصیتی بیژن و داستان او و زندگی او و نقش او به عنوان پهلوانی کارآمد در شاهنامه می‌پردازد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

نکته ای که در مورد مؤلف این اثر باید بدان اشاره شود حس دلسوزی و تعهد و احساس مسئولیت او به دنیای ادبیات است. حسی که امروزه در کمتر کسی حتی از بزرگان ادبیات دیده می شود. او در موارد گوناگون گفته های افراد مختلف را نقد می کند البته نقدی سازنده که پاسخ و پیشنهادی به همراه دارد. آنجا که شاملو قیام کاوه آهنگر را به تمسخر می گیرد و از این خیزش به عنوان جنبشی در جهت احیای اشرافگیری و نظام طبقاتی یاد می کند بر او می تازد و نه تنها او (شاملو) بلکه هم مشربان او را نیز که وی (شاملو) بدانها تکیه و استناد می کند. در مقاله ای با عنوان «تو را با نبرد دلیران چه کار؟» به چالش می طلبد همان کاری که اگر امروز بسیاری از پژوهشگران دنیای ادبیات انجام می دادند، هر کسی برای خودش در دنیای ادبیات علم انالحق و المحقق بر نمی افراشت.

اینک گزارشی از مقاله‌ی مذکور:

شاملو معتقد است که غول بی شاخ و دمی که فردوسی از ضحاک ساخته معلول حرکت انقلابی ضحاک است که بر نظام طبقاتی جمشید شوریده و جامعه را از نظام طبقاتی عاری کرده و این مخالف و مغایر اعتقادات شاعر توس است و این موضوع زمانی آشکار می شود که بینیم فریدون بعد از قرار گرفتن در جایگاه شاهی چه می کند. او کشور را به همان نظام طبقاتی پیشین بر می گرداند و جارچپانش فرمان او را به شرح زیر اعلام می کند:

سپاهی نباید که با پیشه ور به یک روی جویند هر دو هنر

یکی کارورز و دگر گرزدار سزاوار هر دو پدیدست کار

چو این کار آن جوید آن کار این پر آشوب گردد سراسر زمین

شاملو با استناد به اینگونه عرایض و گفتارهایی دیگر که در اینجا مجال آوردن آنها نیست در مقاله‌ی موجود در کتاب جمعه اش معتقد می شود که حماسه‌ی کاوه چیزی جز یک عمل ارتجاعی و یک شورش سیاسی به نفع اشرافیت، نیست اشرافیتی که از ضحاک به سختی ضربه خورده و منافع خود را به کلی از دست داده است و فردوسی با پنهان کردن حقیقت کار ضحاک - که قیامی مردمی علیه شاه ایران بوده - و جلوه گری های زیرکانه‌ی خویش موضوع را قلب نموده است. و ادامه می دهد که اگر چنان زحمتشکی (کاوه) رهبر قیام علیه غیر اشرافی باشد تا جامعه را به سوی اشرافیگری سوق دهد، به منافع زحمتشکان خیانت کرده و خیانت نمی تواند موضوع حماسه قرار گیرد.

شاملو ضحاک را ایرانی می خواند که فردوسی برپایه ی حس ناسیونالیستی و تقدسی که برای شاهان ایران قائل مزه ایزدی قائل است از او عربی ماردوش ساخته است. وی کل این ماجرا را قلب شده ی ماجرای تاریخی گئومات و داریوش می داند و معتقد است که در آنجا نیز برای اهانت نشدن به شاه ایران، بردیای دروغینی ساخته شده و داریوش بر او می شورد و در حقیقت جنبشی مردمی را به شورش علیه بیگانه تبدیل می کند.

مؤلف با گوشزد نمودن این موضوع که داستان های شاهنامه ساخته خیال و پرداخته ی قلم فردوسی نیست به نقد نظریات شاملو می پردازد و در مورد سطر سطر نوشته های شاملو، بر او می تازد و او را به این نکته می آگاهاند که نه شاهنامه یک رمان تاریخی است و نه فردوسی، الکساندر دوما. و در این باره به پاسخی که از سوی فریدون جنیدی به شاملو داده شده بود، همچنین تاریخ ادبیات دوم دبیرستان نظام قدیم (جهت طعنه زدن به شاملو و کم اطلاعی او) استناد می نماید تا به او بفهماند که قبل از فردوسی نیز شاهنامه هایی به نظم و نثر بوده و فردوسی خود نیز در ابتدای شاهنامه اش به این موضوع اذعان نموده است. و آرزو می کند که ای کاش آقای شاملو آنگاه که دوشادوش شن چوی کره ای می جنگید - البته در عالم شعر - کمی هم به فرهنگ و ادب و تاریخ گرانبهای ایران توجه می نمود تا چنین آبروریزی به بار نیآورد.

مؤلف خاطر نشان می کند که ده سال بعد از نشر این مقاله، در سال ۶۹ شاملو همان سخنان را که سرمنشأشان را در مقاله ای از علی حضوری نقل می کند - در بر کلی تکرار می نماید. این بار دکتر باطنی در مقاله ای مستدل سعی در آگاه نمودن شاملو به

حقیقت و جدایی راه اسطوره از تاریخ مبنی بر غیر قابل قیاس بودن ضحاک با بریا می نماید.

خلاصه اینکه، مؤلف اسطوره‌ی جمشید و ضحاک را مربوط به دوره‌ی هند و ایرانی می‌داند و به برخی تغییراتی که فردوسی در جنبه‌ی شاعرانه به خداینامه داده اشاره می‌نماید. از آنجا که در اوستا کیومرث اولین انسان است و در شاهنامه اولین پادشاه، پس ضرورت دارد که آلات و ابزار شاهی و تخت و سلطنت را نیز همراه او سازد و وقتی همه‌ی این چیزها برایش درست شود، الگوی اصلی آن دربار ساسانی است و در نتیجه طبقات اجتماعی دوران ساسانی به عینه به آن روزگار منتقل می‌شوند و دلیل دیگر می‌آورد به اینکه اسطوره همیشه منعکس کننده‌ی اوضاع اجتماعی عصر تدوین خود است و از آنجا که شاهنامه و روایات ملی قطعاً در دوره‌ی ساسانی تدوین یافته اند پس انعکاس دهنده‌ی دوران ساسانی هستند.

مؤلف در ادامه‌ی مقاله به پاسخگویی به اشتباهات فاحش یا به قول مرحوم قزوینی «بل افحش» شاملو می‌پردازد و در مورد عدم انطباق داستان ضحاک و فریدون با ماجرای گئومات و داریوش و تا حدی صحت کودتای مغ گئومات نام علیه بردیا، پاسخ‌هایی مستدل به او داده است.

منابع:

- ابوالحسنی، علی. بوسه بر خاک پی حیدر. تهران: نشر عبرت، ۱۳۷۸.
- الغ زاده، ساتم. فردوسی «رمان تاریخی». تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- برومند، پوران‌دخت. فرهنگ آرایه‌های ادبی در شاهنامه فردوسی. تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۰.
- دوستخواه، جلیل. حماسه ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها. تهران: نشر آگه، ۱۳۸۰.
- دیوید سن، الگا. ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی. تهران: نشر فروزان، ۱۳۸۰.
- دیوید سن، الگا. شاعر و پهلوان شاهنامه. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۸.
- رستنده، مجید. قرآن و حدیث در شاهنامه فردوسی. همدان: انتشارات مفتون همدانی، ۱۳۷۸.
- رضازاده ملک، رحیم. بلور کلام فردوسی. تهران: انتشارات کلبه و فکر روز، ۱۳۷۸.
- گودرزی، مرتضی. مایه‌های دینی و عرفانی در شاهنامه فردوسی. تهران: انتشارات راه سبحان، ۱۳۸۰.
- وامقی، ایرج. بیژن نامه. تهران: انتشارات سوده، ۱۳۸۰.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/22/2012 12:21:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/22/2012 12:21:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 38
Number of Words: 5,293 (approx.)
Number of Characters: 30,174 (approx.)